



**روز جهانی زن روز آگاهی جامعه
به ابعاد ستم بر زن،
روز اعتراض به جمهوری اسلامی
این سمبل زن ستیزی است**

روز جهانی زن، روز اعلام این حقیقت روشن است که زن و مرد با هر رنگ پوستی، در هر سنی، از هر طبقه و متولد هر جغرافیایی، با هر مرام و مذهب و اعتقاداتی، دو موجود آزاد و دوشهروند متساوی الحقوق با اختیارات و مسئولیت های برابرند. واقعیت به این روشنی که از آمریکا تا اروپا، از افریقا تا آسیا در سایه تحمیق و فریت مذاهب مختلف و توسط دولتهای حاکم و

ادامه در ص 2

**در صفحات دیگر
کارگران و دانشجویان مهاجر در
کردستان عراق
(مصاحبه با رحمت فاتحی) ص 3**

**آقای ایوبی
راه حل معلمان "سنی گری و
کردایه تی" نیست
اسد گلچینی ص 4**

**کمکهای مالی به کمیته کردستان
حزب ص 2
به گارد آزادی بپیونید (تراکت)
ص 4**



**فستیوال بزرگ آدم برفی
در شهر اشنویه**

پارک جنگلی شهر اشنویه روز جمعه شاهد فستیوال آدم برفی بود روز ۲۰ بهمن ۸۵ دفاع از حقوق کودکان و حمایت از آنها در جامعه، فضای پارک جنگلی قلاتوک اشنویه را فرا گرفت. فستیوالی بی سابقه با شرکت هزاران نفر از مردم شهرودر دفاع از کودکان فضایی امیدوار کننده و شاد را ایجاد کرد. به گزارش انجمن هواداران محیط زیست این شهر که این فستیوال را سازمان داده بود، جمعیتی بین پنج تا شش هزار نفر در این جشنواره شرکت کردند. بنا به خبر همین منبع که در سایت آن درج شده است، مراسم از ساعت ۲ شروع و تا ساعت

**مرکز خبری کمیته کردستان
حزب حکمتیست**

چند روز قبل ای میلی داشتیم از رفیق و دوست دیرینم مصطفی یونسی که فعلا کانادا زندگی میکند. نوشته بود فستیوال آدم برفی و ضرورت احترام به کودک در شهری برگزار شده که روزی "یا شهرستان یا گورستان" بزرگترین شعار و مطالبه اش بود...

برای جوانان و بویژه چپ های هم نسل من این شعار خاطرات زیادی از دوران قبل از روزهای ادامه در ص 2



رحمان حسین زاده

**همکاری با ارتش آمریکا
جنایت علیه مردم**

دولت سوپر ارتجاعی بوش در فکر ماجراجویی نظامی در ایران است. استیصال و شکست و ناکامی در جنگ عراق را در نظر دارد با ماجراجویی نظامی در ایران جبران کند. در این راستا به زعم خودشان جلب اپوزیسیون و مشخصا بعضی گروههای مسلح را در نظر دارند. تصویب بودجه 75 میلیون دلاری کمک به اپوزیسیون مشخصا در خدمت عراقیزه کردن جامعه ایران و به تباهی کشاندن این جامعه است. شواهد نشان میدهد، سازمان مجاهدین خلق و گروه قوم پرست سازمان زحمتکشان همکاری با نظامیان آمریکا را قبول کرده اند. تجربه عراق جلو چشم همگان است که چطور جنگ آمریکا یک جامعه بزرگ را به تباهی میکشد و جهنمی را بر شهروندان آن جامعه تحمیل میکند. گروههای سیاسی و به اصطلاح "سیاستمدارانی" که این فاجعه بزرگ را می بینند و در ازای پول و اسلحه تن به همکاری آمریکا میدهند، برکه ظرفیت جنایتکارانه خود و سازمانشان را علیه جامعه و مردم ایران امضا میکنند. خود را به ارباب جنگ احتمالی آمریکا در ایران وصل میکنند. تبدیل شدن به سیاهی لشکر پنتاگون را پذیرا شده اند. نفرت بر چنین "گروههای سیاسی و سیاستمدارانی" که تباهی جامعه و لت و پار شدن هر روزه انسانها و کودکان در یک جنگ احتمالی را مبنای به قدرت رسیدن خود میدانند. جنگ احتمالی آمریکا در ایران و شریک شدن در این قمار جنگی علیه جامعه و مردم ایران جنایتی بزرگ علیه انسانیت و مدنیت است. این سناریو لازمست با هوشیاری و آگاهی مردم طرد شود. جریانات درگیر در این ماجراجویی نظامی باید رسوا و منزوی شوند. هر بخش از اپوزیسیون ایران که فقط حداقلی از انتظار مثل



محمد فتاحی

**فستیوال آدم برفی در اشنویه
این شهر سالهاست که
"شهرستان" است!**

تضمین امنیت و مدنیت جامعه را در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی مد نظر دارد. لازمست دخالت نظامی آمریکا در ایران را محکوم کند و شریک شدن در این ماجرا اجوبی را به عنوان اقدامی ضد جامعه و مردم ایران افشا و طرد و منزوی کند. لازمست جریانات سناریو سیاهی مثل مجاهدین خلق ایران و سازمان زحمتکشان زیر فشار اپوزیسیون و مردم مجبور به عقب نشستن از همکاری با ارتش آمریکا شوند.

تلویزیون الجزیره چندی قبل پرده از همکاری سازمان قوم پرست زحمتکشان با نظامیان آمریکا در کردستان عراق برداشت. سران این باند سیاه این خبر را با خشنودی در سایت‌های وابسته خود منتشر کردند. این واقعه تاکیدیست بر ماهیت سیاه این جریان که آمدگی شریک شدن در بزرگترین جنایت آمریکا علیه مردم ایران و کردستان را دارند. مردم آگاه کردستان و نیروهای سیاسی و چپ و حکمتیست‌ها در این جامعه میتوانند تضمین کنند که چنین جریانات سیاهی فرصت میداناری را در صحنه سیاست کردستان نداشته باشند. 27 سال مبارزه غنی و پر تجربه توده مردم کردستان پشتوانه محکم طرد این جریانات سیاه است. مردم کردستان جنگ آمریکا را نمیخواهند. جنگ و پاکسازی

قومی به بهانه فدرالیسم و قوم پرستی را نمیخواهند. تباهی جامعه و به هم خوردن شیرازه جامعه را زیر پوشش برانداختن جمهوری اسلامی نمیخواهند. مردم کردستان سه دهه است سر راست و با اتکا به نیروی خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رسیدن آزادی و رفاه و سعادت مبارزه میکنند. سه دهه است مبارزه خود را به جنبش و مبارزه آزادیخواهانه کارگران و مردم آزادیخواه سراسر ایران متصل کرده اند و امروز بیش از هر زمانی شرایط عروج جنبش قوی و آزادیخواهانه در سراسر ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی در جریان است و جنگ و دخالت نظامی آمریکا و فعال شدن جریانات گانگستری مسلح و پادوی پنتاگون تهدیدی علیه مبارزه مردم است. این تهدید و خطر تنها در نتیجه آگاهی و اتحاد و تشکل مردم حول سیاستهای چپ و انقلابی و منشور سرنگونی تضمین میشود.

سازمان فدرالیست و قوم پرست زحمتکشان و آمدگی شریک شدن این جریان در ماجراجوییهای نظامی آمریکا باید مورد تنفر و انزجار عمیق مردم کردستان قرار گیرد و این جریان از جامعه طرد شود. حکمتیست‌ها بیش از پیش به این وظیفه و رسالت خود آگاه بوده و به آن متعهد هستند و برای آن میکوشند. به علاوه سازمان کومه له لازمست در این زمینه نقش خود را ایفا کند. بویژه که این جریان تحت نام "کومه له" مواجبت بگیری پنتاگون و شریک شدن در قمار جنگی آمریکا علیه مردم ایران را تبلیغ میکند.

ادامه از ص 1

طبقات دارا، انکار میشود و زن در سراسر جهان در سطوح و ابعاد مختلف، جنس فرودست و قربانی تبعیض جنسی است. هشت مارس روز اعلام مجدد این کیفرخواست جهانی است که زن و مرد آزاد و برابرند. این روز بعلاوه روز پیمان و تعهد مشترک و جهانی برای از پیش پا برداشتن هر مانعی در تحقق این حقیقت روشن در سراسر جهان است.

در ایران با حاکمیت یک رژیم تماما ضد زن و مذهبی، هشت مارس و تلاش برای احقاق حقوق انسانی زنان، بعلاوه خصلت ویژه تری دارد. این خصلت، گره خوردن احقاق حق زن به حیات و پایه های حاکمیت ارتجاع اسلامی است. خصلتی که دو دهه است زنان را در ابعاد میلیونی رویاروی جمهوری اسلامی قرار داده است و تنور مبارزه برای حق زن را در تمام طول حاکمیت اسلام، گرم و پرطپش نگاه داشته است. این ویژگی است که به انقلاب آتی ایران زنگ زنانه

فستیوال از ص 1

قیم ۵۷ این شهر را به خاطر می‌آورد. عزیزانی که آن روزها فعالین چپ اشنویه بودند، به دنبال رشد روز افزون تظاهرات ها در شهرهای اصلی ایران در روزها و ماههای قبل از قیام، با تقلابهای زیاد قادر به سازماندهی یک تظاهرات مردمی در دل این شهر خفته شده بودند. بعدها به شوخی و طنز تعریف میکردند که سازش ناپذیرترین مطالبه ساکنین این بخش در آن تظاهرات "یا شهرستان، یا گورستان" بود. گویا به محض اینکه مردم شنیده بودند که چپ ها شعار "مرگ بر شاه" را سر میدهند، بعداز مقولومی بازاری مآبانه پراکنگی را آغاز میکنند. بعدها در موارد متعددی وقتی بحث اشنویه می‌آمد، همیشه جمعی در میان رفقا بودند که طرف دیگر را دست می‌انداختند که آنها "شهرستان" میخواستند، قیام و انقلاب تحمل شد! در دنیای واقعی قیام در این مناطق به وقوع نپیوست. سران عشایر "زرزا" با همدستی "ایقاده موقت" تنها نیرویی بودند که در اشنویه قدرت را از رژیم سابق تحویل گرفتند. حزب دمکرات کرستان به دنبال، پا در جا پای همان سنت نهاد. انقلاب بعدها یواش یواش شروع شد و اولین شکوفه های آن در این مناطق بعدها در سنگر مقاومت

زده است. پیروزی انقلاب زنانه در ایران، به زیر کشیدن حکومت ضد زن اسلامی ایران، این خدای زن ستیزی معاصر، دروازه بزرگی به تحقق برابری زن و مرد در سراسر جهان است.

زنان و مردان آزادیخواه، فعالین و دست اندرکاران هشت مارس ایران! هشت مارس امسال سراسر ایران میتواند متعلق به طرفداران برابری انسانها و مخالفین ستم بر زن باشد. هشت مارس امسال میتواند نورافکنی عظیم بر بنیادهای نابرابری زن و مرد در همه ابعاد، در سراسر ایران را روشن کند. این روز میتواند یک روز محکوم کردن مسببین بی حقوقی زن در ایران از امام جمعه ها و آخوندهای مرتجع تاریس جمهور و کابینه دولت ارتجاعی ضد زن در ایران باشد. هشت مارس امسال میتوان در سراسر ایران، جبهه جدال انسانی، میدان رهایی انسان از توحش ضد زن و مملو از مبارزین رهایی زن باشد.

مردم و چپ در برابر ارتجاع برخاسته از گور سر بر آورد. تاریخ پیچیده ای گذشت. در طول بیش از دو دهه گذشته، مثل همه جای کردستان، این مناطق هم محل تقابل مداوم سنن متفاوت نو دنیای کهنه و مدرن در عرصه های مختلف زندگی بوده است. همیشه ناسیونالیسم و باقی گرایشات نییای کهنه برای حفظ برتری سنن خود بر زندگی انسان محروم جنگیده اند. همیشه سنن متعلق به زندگی حال و آینده هم برای جا باز کردن خود تقلائی جانانه به خرج داده اند. سالهای اخیر که نتیجه حاکمیت دولت فدرال "خودی" در آن طرف مرز برای مردمان زیادی در این طرف مرز هم روشن شده است، بیش از همیشه چشم مردم به جای شعارهای توخالی خاک و میهن، به دنبال حق و حقوق واقعی و زمینی در زندگی همین امروز است.

آنچه که میتواند در دل این زمینه های مساعد تخم تغییرات مثبت در زندگی مردم بکار د، نسلی است که دنیایش، انتظارش، توقعاتش و حتی توانایی و ظرفیتهایش بسی از نسل ماهای قدیم متفاوت است. به این نسل باید دست مریزاد گفت. فستیوال شادی، تبدیل برف و سرما به لحظاتی گرم در زندگی محرومان، دفاع از حقوق کودک، و دفاع روشن

باید دست بکار شد! هرکجا، به هر شکل و در هر اندازه ای، اجتماع کرد. در مورد حق زن، در مورد ابعاد عظیم ستم بر زن در جامعه و در خانواده و در مورد ضرورت برابری کامل دو جنس صحبت کرد. باید مردم را آگاه کرد! باید محل کار و زندگی را به کنترل مخالفین آپارتاید جنسی در آورد! باید قوانین و مدافع برابری زن و مرد را زیر پا گذاشت! باید جداسازی و آپارتاید جنسی را افشا و محکوم کرد. امسال هم باید روز جهانی زن، هشت مارس را هرچه باشکوه تر و با شرکت تعداد هرچه بیشتری برگزار کرد. باید این تنور گرم را به آتشی برای نابودی کامل زن ستیزی تبدیل کرد.

نابود باد ستم بر زن

گرامی باد هشت مارس

حزب کمونیست کارگری -

حکمتیست

۱۹ بهمن - ۱۳۸۵ (۸ فوریه ۲۰۰۷)

از حقوق انسان بیش از همه دستاورد این نسلی است که در عمق جامعه مشغول کاشتن نهال هایی است که قبلتر ناشانی از آن پیدا نبود.

مصاحبه با رحمت ... از ص 3

خودشان به تنهایی ضعیف میباشند و همیشه خطر اخراج و دپورت بالای سرشان است. میدانم قبلا تعدادی از کارگران و دانشجویها جداگانه تلاش کردند که تشکلی با نام اتحادیه کارگران یا دانشجویان مهاجر را تشکیل دهند که با موانع جدی برخورد کردند. به هر حال کارگران، دانشجویان و مردم آزادیخواه برای احقاق حق و حقوقشان هیچ راهی جز تشکل و سازمان ندارند.

کمک مالی به کمیته کردستان جمع آوری کمک مالی توسط عزرا آملی (آباجی)

آقای فرشادش 100 کرون

خاتم فرزانه ب 100 کرون

خاتم صدیقه ف 40 کرون

جمع آوری شده از محل جشن سر سال نو در شهر استکهلم

1600 کرون

نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!



مصاحبه با رحمت فاتحی کارگران و دانشجویان مهاجر در کردستان عراق

در سالهای اخیر جمعیت قابل توجهی از کارگران و همچنین بخش محدودی از دانشجویان از ایران به شهرهای کردستان عراق مهاجرت کرده اند. رحمت فاتحی عضو هیئت اجرایی کمیته کردستان و از مسئولین حزب حکمتیست در کردستان عراق ارتباط فشرده ای با کارگران و دانشجویان مهاجر داشته و به سئوالات اکتبر در مورد شرایط کار و زندگی آنها جواب میدهد.

اکتبر:

عده زیادی از اهالی شهرهای ایران و کردستان حدود هزارها نفر جدا از وابستگان و فعالین " احزاب و جریانات سیاسی اپوزیسیون رژیم اسلامی " در شهرهای کردستان عراق زندگی میکنند. دلیل استقرارشان چیست؟ و در چه شهرهایی مستقرند؟

رحمت فاتحی:

شما بدرستی اشاره کردید که هزاران نفر از شهرهای ایران و کردستان برای کار کردن به این کشور مهاجرت کرده اند. آنها به چند دسته تقسیم میشوند. اکثریت آنها کارگران متخصص و ساده میباشند که در کمپانیهای متفاوت از جمله شرکتهای ساختمانی، سوپر مارکتها، باربری، نانوائیها، میوه فروشیها و غیره مشغول به کار میباشند. دانشجوها هم که طبق اطلاعاتی که من دارم حدودا چهارصد نفری میباشند. علاوه بر اینها تعداد زیادی هم در روستاها و شهرهای مرزی به کار خرید و فروش اجناس در دو طرف مرز مشغول میباشند. آنها در کلیه شهرهای کردستان هستند ولی عموما در شهرهای بزرگ

سلیمانیه و اربیل مستقر میباشند. لازم به یادآوری است که تعدادی از سرمایه داران ایرانی هم در شهرهای کردستان در شرکتهایی که در بالا به آن اشاره کردم، شرکتهای هوایی و بقیه مراکز تولید سرمایه گزاری کرده اند و سرمایه زیادی را به هم زده اند.

اکتبر: چه تصویر عمومی در ابعاد اجتماعی از آنها وجود دارد و چه به شیوه ای زندگی روزمره خود را میگذرانند؟

رحمت فاتحی:

من همچنانکه در بالا به آن اشاره کردم کسانی که مجبور به کار در اینجا شده اند طیف وسیعی را در برمیگیرد که من فعلا به دو بخش از آنها اشاره میکنم. بخش اول کارگران میباشند که بخش اعظم را تشکیل میدهند. آنها مجبورند که با درآمدی که دارند ضمن اینکه باید زندگی خودشان را در محل کارشان تامین نمایند باید سهمی از درآمدها را پس انداز کنند برای تامین خانواده هایشان که فرسخها از آنها دور شده اند. بخاطر همین مجبور هستند به نازلترین سطح زندگی تن دهند. این کارگران محل ثابتی برای زندگی کردن ندارند. محل زندگی آنها عموما در محل کار آنها میباشد زیرا درآمدی که دارند کفاف این را نمیکند که محلی را اجاره کنند. آنها در دسته های سی تا ده نفره محلی را در محل کارشان سرهم بندی میکنند که نشانی از زندگی مدنی ندارد. شما میدانید که مردم در عراق و کردستان با چه مشکلی در رابطه با سوخت، آب و برق روبرو هستند. در نتیجه شما میتوانید تصور کنید که وضع زندگی این کارگران به چه شکلی میباشد. من بارها به دلایل متفاوت پیش آنها رفته ام ولی هر بار به شدت متأثر و به لحاظ روحی برای مدتی مریض شده ام. در کشوری که صاحب ثروت و سامان زیادی است و دهها صدها کمپانی، شرکت و ساختمان سر به فلک کشیده در

حال احداث یا ساخته شده نباید این انسانها از حداقل امکانات برای زندگی کردن برخوردار باشند. محل زندگی آنها خیلی سرد و معمولا آب و برق ندارند. تعداد زیادی از کارگران در نانوائیها کار میکنند که آنها هم از همان شرایط زندگی برخوردار میباشند که در بالا به آن اشاره کردم. بخش دوم دانشجویها کرد زبان ایرانی میباشند که در دانشگاههای کردستان تحصیل میکنند. اگر از شرایط پذیرش آنها صرفنظر کنیم که لازم است در جای دیگری به آن پرداخت، دانشجویها مقدار کمی کمک هزینه تحصیلی به آنها تعلق میگیرد. دانشجویها هر سه تا شش نفر در یک اطاق زندگی میکنند و آشپزخانه، حمام و توالت آنها مشترک میباشد. کلا سطح بهداشت و نظافت خوابگاه خیلی پایین میباشد. تصویرهای اجتماعی متفاوتی از آنها وجود دارد تا آنجا که کارگران بر میگردد مردم بعنوان کارگرانی که از فن و تخصص بالاتری به نسبت جامعه عراق برخوردارند به آنها نگاه میکنند. در مورد دانشجویها هم همینطور آنها را آگاه تر و با سوادتر قبول کرده اند. ولی در عین حال برخورد های منفی هم وجود دارد برای نمونه آنها را بعنوان کسانی که مواد مخدر و زنان تن فروش را به اینجا صادر میکنند نگاه میکنند. که در مورد مواد مخدر باید بگویم جمهوری اسلامی در صادر کردن آن نقش فعالی دارد. در مجموع باید بگویم که آنها را به عنوان انسانهای با فرهنگ با اعتقادات ضعیف مذهبی نگاه میکنند.

اکتبر: موانع برخورداری شدن و دستیابی شان به حق و حقوق، دستمزد و مزایای کافی چه میباشند و چکار باید بکنند؟

رحمت فاتحی:

جواب دادن به این سوال کمی مشکل است زیرا که متأسفانه تشکل کارگری قوی اتحادیه، شورا یا سندیکا در شهرهای کردستان وجود ندارد تا کارگران بتواند مبارزه برای دستیابی به حق و حقوقشان را با آنها هماهنگ کنند. از طرف دیگر حزب قوی کارگری وجود ندارد که کارگران به آن تکیه کنند تا برای ابتدایی ترین حقوق خود مبارزه کنند. کارگران و دانشجو های که از ایران آمده اند، هم

اکتبر: در مراکز کارگری، آیا از حق و حقوق، دستمزد و مزایای کافی برخوردارند؟ مکانیزم تامین شغلی، معیشتی و امنیتی آنها چگونه است؟

رحمت فاتحی:

متأسفانه هیچ نوع سیستم و مکانیزمی که خود کارگران



اسد گلچینی
agolchini@yahoo.com

آقای ایوبی! راه حل معلمان "سنی گری و کردایه تی" نیست

مصاحبه آقای ایوبی رئیس انجمن معلمان اخراجی در کردستان با رادیو آلمان شرح حال و مصیبت زندگی بیش از ۱۵۰۰ معلم اخراج شده و خانواده هایشان است که در ۲۷ سال گذشته رقم خورده است.

وضعیت این معلمان و خواسته هایشان در برابر تمام ستمی که بر آنها روا داشته شده است، کاملا قابل توجه و مبارزاتشان برای دستیابی به حقوق پایمال شده باید مورد حمایت قرار بگیرد.

مبارزه معلمان در سراسر ایران تقریبا بی وقفه ادامه داشته است. تشکل های بزرگی ایجاد کرده اند و اعتراضات بسیار مهمی را هم در مقاطع مختلف پیش برده اند. شعارها و سخنرانیهای معلمان در مقابل مجلس اسلامی "معلم ۱۰۰ هزار و نمایندگان ۱ میلیون" ... صدای مشترک و حق طلبانه و عدالت طلبی معلمان بود و هنوز هم هست و جا دارد در کنار هر اعتراض دیگری معلمان در کردستان نیز چه معلمان اخراجی و چه معلمان شاغل، در برابر این ستمگری و اجحافات دولت بر معلمان مقابله کنند. اکنون که مجددا صدای اعتراض معلمان بلند شده است و تجمع های خود را میخوانند داشته باشند راه حل این است که به این روند و

حرکت پیوست و اعتراض مشترک و هماهنگی را دامن زد. این نافی هیچ کدام از اقدامات و حمایت هایی که آقای ایوبی در این مصاحبه آنها را خواهان است، نمیباشد. این مبارزه مشترک برای معلمان اخراجی هم ممکن است و هم اگر پیشروی ممکن باشد از این کاتال است. دست یابی به هر اندازه از خواست معلمان اخراجی در شهرهای کردستان در گرو تبدیل کردن خواست بازگشت به کار و یا تامین زندگی، به یکی از خواسته های سراسری معلمان در کشور است. این مبارزه ای روشن، اعتراضی، بر حق است.

اما آقای ایوبی این راه حل را اتفاقا بدرجه زیادی منتفی میکند و با توسل به اینکه "ما کرد و سنی هستیم" و "ما را هزار برابر بیشتر زندانی میکنند"، عملا سنگری دیگر برای معلمان اخراجی و دیگر معلمان و هر خواننده و شنونده ایشان انتخاب و تعیین میکند. این اشتباه است. واقعی نیست، راه حل نیست و این قومی و مذهبی کردن خواست های معلمان هم سرنوشت است و اتفاقا این تفرقه ایجاد کردن در صفوف مبارزه معلمان و پراکنده کردن صف آنها و یک قدم جدی به عقب است.

"معلم کرد و سنی" را در شهرهای کردستان تراشیدن (که) "ظلمتی" معلم "شیعی یا مسیحی و .. و یا فارس زبان و ترک زبانی که در آنجا زندگی میکند و جز این اخراجی ها هم هست را در بر نمیگیرد) در برابر یک ستم گری و بی حقوقی و پایمال کردن همه معلمان کشور چه اخراجی و چه شاغل بشدت به ضرر این مبارزه است. همه نوع اجحافات و بیعدالتی ها علیه معلمان در همه شهرها وجود دارد. بر اثر این قوانین ضد مردمی معلمان بسیاری خانه خراب شده و هزاران نفر از آنها مشابه آنچه در کردستان در جریان بوده است،

راهی دستفروشی و تاکسی رانی و ... شده اند. یک راه حل سراسری و بدون توسل به قومی گری و سنی و شیعی گری و بدون تفرقه راه حل این مبارزه است. تلاش برای هر گونه دست یابی به حقوق پایمال شده و خواسته های رفاهی و معیشتی معلمان نمیتواند از این سنگری که اکنون همه معلمان دست در دست هم در کنار هم مبارزه میکنند، جدا باشد.

"کرد و سنی" کردن و خزیدن به این سنگر، اتفاقا سنگر سرمایه داران کرد است که اکنون بخش قابل توجهی از این اعتراضات و محافل روشنفکری در کردستان را گرفته است. تحت تاثیر جنبش ناسیونالیستی و احزاب و شخصیت های این جنبش به این اعتراضات تزریق میشود و تاسف بار این است که این ترند ها به همین شکل از طرف این محافل و متأسفانه بخشا از طرف چپ ها هم قورت داده میشود بدون اینکه متوجه باشند که چه افق و چه سیاستی پشت این مدال "کرد و سنی" کردن بر سینه است. بورژوازی کرد در کردستان دنبال سهم خواهی خود است و بهر شکل و شیوه ممکن، از مبارزه مسلحانه تا عضویت در مجلس اسلامی و انجمن و جبهه و جمعیت کردی، در تلاش است و نیروی اعتراض مردم شریف و عدالت خواه را هم میخواد به زیر پرچم های رنگارنگ خرافه "کردایتی و سنی گری" بکشاند. زمانی که معلمان در تهران (که از همه جای کشور جمع بودند) شعارشان را که "معلم ۱۰۰ هزار و نماینده ۱ میلیون" بود و به گوش از جمله آقایان ادب و جلالی زاده و بقیه نمایندگان کرد و غیر کرد در مجلس هم میرسانند اینها گوش هایشان کر بود. اما الان که بخشی از اینها در مجلس نیستند و در قدرت هم سهمی ندارند پشت این سنگر های ارتجاعی

"سنی گری و کردایتی" قرار گرفته اند. جنبش کمونیستی و کارگری در کردستان، فعالین سوسیالیست و عدالت خواه نمیتوانند در برابر این که جنبش ناسیونالیستی (جنبش سرمایه داران برای سهم خواهی از قدرت) هر روز برای این بخش از جامعه که به زبان متفاوتی از دیگر بخشها تکلم میکند و یا مردمش به مذهب دیگری منتسب میشوند، بی تفاوت باشند. سنگر بندی "معلم کرد و سنی" دانشجوی کرد" زنان کرد" "نویسنده کرد" سرمایه دار و نمایندگان کرد در مجلس" سازمان حقوق بشر کرد" و فردا حتما "کودکان کرد" "کارگران کرد" !! سنگر ارتجاعی و ضد مردمی است که هر اعتراضی را هم که اعتراض مشترک بخشهای این جامعه در برابر نظام و حاکمیت است متفرق میکند و هم راه به جایی نمیرد. این کلاه برداری و عوامفریبی جنبش سرمایه داران را نباید اجازه داد بر سر کسی گذاشته شود و بهر اندازه که وجود دارد و متأسفانه ابعادش کم نیست باید تلاش کرد افشا کرد. کسانی که مبلغ این کلاه برداری و فریبکاری هستند، آیا جرات میکنند که الگوی حکومت کردی در کردستان عراق را نشان بدهند؟ در کردستان عراق هم کارگران و معلمان فریادشان این است که "چرا معلم و کارگر ۱۰۰

دینار و حاکمان ۱ میلیون" کارگران، جوانان، زنان، دانشجویان، معلمان، پرستاران و همه افراد این جامعه خواسته ها و مطالبات و مبارزاتی که دارند در برابر یک قانون ارتجاعی و سرمایه دارانه اسلامی است. راه حل "ملی و مذهبی" کردن این خواسته ها و مطالبات تیشه به ریشه همان اعتراض و مبارزه هر بخش جامعه و از جمله معلمان است. متحد کردن، هم صدا کردن و یکی کردن این خواسته های مشترک و عادلانه راه حل موثر این اعتراضات است.

بر زنان و تعرض به حقوق کودک و آزادی اندیشه و بیان مقاومت شکل بگیرد. ۹ - فضای محله را نسبت به تبلیغات قوم پرستانه آگاه و حساس کنید و این نیرو هائی که بر قوم پرستی و عقب ماندگی سرمایه گذاری میکنند را ایزوله کنید. ۱۰ - مطلقا بدون اجازه ما اقدام به عملیات یا نمایش نظامی نکنید.

فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه در محل را گسترش دهید. ۷ - در محله خود، نفوذ، اعتبار و محبوبیت کسب کنید. حافظ اصلی واحد های گارد آزادی نفوذ و محبوبیت آنها در میان مردم است. ۸ - تلاش کنید که در محل تان فرهنگ پیشرو حاکم باشد و بخصوص علیه فشار و ستم

تماس بگیرید. از طریق دوستان، آشنایان یا اقوام خود در عراق یا خارج کشور و یا هر شیوه مطمئن دیگری خود را به کمیته سازمادهی و فرماندهی گارد آزادی در کردستان متصل کنید. ۴ - از هر طریق که میتوانید خود را مسلح کنید. ۵ - عوامل و امکان علنی و مخفی نظامی، انتظامی و جاسوسی رژیم را شناسایی کنید. ۶ - تلاش کنید

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی به پیوندید! هر جا که هستید، در هر محله و در هر شهر و روستا نور هم جمع شوید و گارد آزادی را تشکیل دهید. ۱ - هر دو تا شش نفر که همدیگر را میشناسید و به هم اعتماد دارید مخفیانه یک گروه گارد آزادی تشکیل دهید. ۲ - برای گروه خود یک نام انتخاب کنید. ۳ - با ما

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

husienzade_r@yahoo.com

Tel:0046739855837